

متن پرسش

سلام و عرض ادب به نظر می رسد سروش در جمع بندی از بحث تکنیک و فلسفه تکنولوژی دچار تناقض گوییست و تکلیفش با خودش معلوم نیست. علی الخصوص که بعضی از حرف هایش در این رابطه با مبانی فکری فلسفی اش جور در نمی آید. سروش در مقاله صناعت و قناعت در جایی از فزون خواهی ذاتی تکنیک و تقدیر تاریخی آن صحبت می کند و در جای دیگر می گوید «آیا همه جا باید داد سخن داد که تکنیک اگر عیبی دارد برای آن است که در دامان مادری فاسد و شهوت پرست بوده است و فرهنگ حاکم آن را مسخ کرده است؟ آیا نباید اندیشید که خود تکنیک هم با خود فرهنگ می آورد؟...». در بسیاری از عباراتش در این مقاله علیرغم مخالفتش با فردید و داوری و هایدگر، ادبیاتش و حتی روایتی که از روح حاکم بر تکنولوژی ارائه می کند شبیه به همان روایت آقایان است. ظاهراً خودش هم ملتفت نیست که از طرفی حرف های همین آقایان را تایید می کند و از طرف دیگر زبان به دشنام و ناسزا علیه شان باز می کند. وی در جای دیگری از مقاله و با تغییر موضع پیشین خود می گوید شهوت پرستان و دنیا طلبان و... آمدند سوار بر جریان علم به طور اعم و تکنیک به طور اخص شدند و شد آنچه که نباید می شد. در این روایت از علم و تکنیک مسأله اش بسیار شبیه به شریعتی در بحث ماشینیسم می شود که اتفاقاً این روایت از تکنیک به نظر با خاستگاه فکری فلسفی که سروش از آن برخاسته بیشتر جور در می آید. سوال اول اینکه بالاخره موضع سروش در رابطه با ماهیت و فلسفه تکنولوژی چیست؟ جمع بندی بنده این است که وی تعمق کافی در این رابطه نداشته و بیشتر بر دادن راه حل برای در امان ماندن از تبعات منفی آن متمرکز شده. سوال دوم اینکه این بغض و کینه عجیب سروش نسبت به فردید از کجا ناشی می شود؟ به نظر قضیه صرفاً اختلاف بر سر مبانی علمی و فکری و از این حرف ها نیست. البته ایشان کلاً آدم عصبانی و پرخاشگری است اما در مورد فردید و منتسبان به فردید دیگر شورش را در می آورد. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً در جریان هستید که آقای سروش کتاب «صناعت و قناعت» را در زمانی می نویسد که به گفته ی خودش هنوز سروش «حرکت جوهری» نمرده بود و شریعت را رؤیای رسولان نمی دانستند. اگر در آن زمان به آقای فردید و آقای داوری انتقاد دارند، به جهت آن بود که آن آقایان متوجهی روحیه ی پوپری آقای سروش شده بودند و ایشان فکر می کرد به جهت نفوذی در آن زمان داشت، می تواند آن ها را از صحنه بیرون کند. ولی چون هرچه جلو رفت ناکامی ایشان در این امر

بیشتر شد عصبانیت‌شان صد چندان گشت در آن حدّ که اگر به مصاحبه‌ی اخیر ایشان در رابطه با «کرونا ویروس» نظر کنید، دیگر عصبانیت نیست؛ دریدنِ آقای دکتر داوری به میان آمده است در آن حدّ که به قول یکی از افرادی که چندان هم با دکتر سروش مخالف نبود؛ می‌گفت این پایان دکتر سروش است. موفق باشید